

## آواتار Avatar

هر موجود زنده‌ای آگاهانه یا ناآگاهانه در تکاپو و جستجوی یک چیز است. این جستجو در شکل‌های کمتر تکامل یافته‌ی زندگی و انسان‌هایی که پیشرفت کمتری دارند ناآگاهانه و در انسان‌های پیشرفته، آگاهانه انجام می‌گیرد. نام‌های بسیاری بر موضوع جستجو گذاشته شده است، مانند خوشحالی، آرامش، آزادی، حقیقت، عشق، تکامل، وصل، درک از خودی حقیقی، شناخت خداوند یا فنا فی‌الله. اساساً این جستجو، به روشی خاص برای دستیابی به همه‌ی اینها است. همه‌ی افراد، لحظاتی توأم با خوشحالی، نگاه آنی به حقیقت و تجربیاتی گذرا از وصل با خداوند داشته‌اند، اما آنچه همگان می‌خواهند این است که این تجربیات را ابدی سازند. آنان می‌خواهند در میان تغییر و تحول دائمی، حقیقت پایدار را برقرار سازند. این یک میل فطری است که اساساً بر پایه‌ی تاریک یا روشن حافظه‌ی فرد بنیان گذاشته شده و برخاسته از کم یا زیاد بودن سیر تکاملی او از وحدت ذاتیش با خداوند است. بنابراین هر چیز زنده‌ای تجلی یا آشکارسازی ناکامل خداوند می‌باشد که تنها به واسطه‌ی عدم دانش از ماهیت حقیقی خود، مشروط و مقید گردیده است. تمامی سیر تکامل در واقع تکاملی است از الوهیت ناآگاه، به الوهیت آگاه که در آن خداوند که خود اساساً ابدی و تغییرناپذیر است، شکل‌های گوناگون بی‌شماری را اختیار می‌کند و از بی‌نهایت تجربیات گوناگون بهره‌مند می‌گردد و به فراسوی بی‌نهایت

محدودیت‌های خود-ساخته‌ی گوناگون می‌رود. سیر تکامل از دیدگاه آفریدگار، یک بازی الهی است که در آن خداوندِ مشروط‌ناشدنی، بی‌کرانی دانش، قدرت و مسرتِ مطلق خود را در میان همه‌ی شرایط می‌آزماید. اما سیر تکامل از دیدگاه مخلوق که دانش محدود، قدرت محدود و ظرفیت محدودی برای بهره‌مند شدن از مسرت دارد، حماسه‌ای است از تناوب‌های استراحت و کشمکش، خوشی و اندوه، عشق و نفرت تا سرانجام خداوند در انسان کامل، تضادهای دوگانه را توازن بخشد و به فراسوی دوگانگی برود. آنگاه خالق و مخلوق خود را یکی تشخیص داده و تغییرناپذیری در میان تغییر مستقر می‌گردد و تجربه‌ی جاودانگی در میان زمان به دست می‌آید. بنابراین خدا خود را به عنوان خدا می‌شناسد که در ذات تغییرناپذیر، در آشکارسازی بی‌کران و همواره مسرت والای شناخت خودی حقیقی را پیوسته با آگاهی جدید از خود و توسط خود، تجربه می‌کند. این شناختِ نهایی باید در میان زندگی رخ دهد و رخ خواهد داد، زیرا تنها در جریان زندگی می‌توان محدودیت‌ها را تجربه و به فراسوی آنها رفت و از پیامد آن که رهایی از محدودیت‌ها است، بهره‌مند گشت. این رهایی از محدودیت‌ها به سه شکل صورت می‌گردد:

اکثر روح‌های به خدا-رسیده فوراً و برای ابد جسم خود را ترک کرده و جاودانه در جنبه‌ی ناآشکار خداوند غرق می‌گردند و تنها از سرور وصل آگاهی دارند. برای آنان آفرینش دیگر وجود ندارد و چرخه‌ی دائمی تولد و مرگ آنان به پایان رسیده است. به این حالت، مُکتی *Mukti* یا نجات روحانی گفته می‌شود. برخی از روح‌های

به خدا-رسیده جسم خود را تا مدتی حفظ می‌کنند اما چون آگاهی آنها به طور کامل در جنبه‌ی ناآشکار خداوند غرق گشته، از اینرو نه از جسم خود و نه از آفرینش آگاهی دارند. آنان پیوسته مسرت بی‌کران، نیروی بی‌کران و دانش بی‌کران خداوند را تجربه می‌کنند اما نمی‌توانند از آنها آگاهانه در آفرینش یا در راستای کمک به دیگران برای دستیابی به نجات روحانی استفاده کنند. بااینحال حضور آنان بر روی زمین مانند کانونی برای تمرکز و تابش نیروی بی‌کران، دانش بی‌کران و سرور بی‌کران خداوند است و کسانی که به آنها دسترسی پیدا کرده، به آنها خدمت نموده و آنها را می‌پرستند، به واسطه‌ی تماس خود با آنها، سود روحانی می‌برند. چنین روح‌هایی، مجذوب نامیده می‌شوند و این نوع خاص نجات، *ویده مکتی* *Videh-mukti* یا نجات همراه با جسم خوانده می‌شود.

تعداد اندکی از روح‌های به خدا-رسیده بدن خود را حفظ کرده و در عین حال آگاهی‌شان از خود، به عنوان خدا شامل هر دو جنبه‌ی ناآشکار و آشکار خداوند است. آنان خود را به عنوان ذات تغییرناپذیر الهی و همچنین به عنوان آشکارسازی بی‌کران شکل‌های گوناگون می‌شناسند. آنان خود را به عنوان خدای مجزا از آفرینش، خدای آفریدگار، خدای پروردگار و خدایی که نابود کننده‌ی تمامی آفرینش است و همچنین به عنوان خدایی که همه‌ی محدودیت‌های آفرینش را پذیرفته و به فراسوی آنها رفته تجربه می‌کنند. آنان پیوسته آرامش مطلق، دانش بی‌کران، نیرو و سرور خداوند را تجربه کرده و به نحو کامل از این بازی الهی آفرینش لذات می‌برند. آنان خود را به عنوان خدایی که در همه چیز

است می‌دانند و از اینرو قادرند از لحاظ روحانی به همه چیز کمک کرده و همچنین می‌توانند روح‌های دیگر را به عنوان *Mukta* (مجذوب) یا *سدگورو* (مرشد کامل) به درک از خودی حقیقی یا شناخت خداوند برسانند، همچنانچه خود هستند و نامیده می‌شوند. پیوسته پنجاه و شش روح به خدا-رسیده در دنیا وجود دارند. آنان همیشه در آگاهی یکی هستند اما در عمل و وظیفه، همواره با یکدیگر تفاوت دارند. آنان معمولاً جدا از عموم مردم، بدون اینکه شناخته شوند کار و زندگی می‌کنند. اما پنج تن که از جهتی به عنوان هیئت مدیره عمل می‌کنند، همواره آشکارا کار می‌کنند. آنها در اجتماع از شهرت و اهمیت خاصی برخوردار بوده و به عنوان *سدگورو* یا مرشدان کامل شناخته می‌شوند. در دوران‌های *اوتاری*، *اوتار* به عنوان والاترین *مرشد کامل*، مقام خود را به عنوان رئیس این گروه و سلسله مراتب روحانی به عهده می‌گیرد.

دوران‌های *اوتاری* مانند بهار آفرینش هستند که به همراه خود آزاد شدن جدیدی از انرژی، بیداری جدیدی از آگاهی و تجربه‌ی جدیدی از زندگی را نه تنها برای تعداد اندکی، بلکه برای همگان به ارمغان می‌آورند. کیفیت انرژی و آگاهی که توسط تعداد اندکی از ارواح پیشرفته مورد استفاده قرار می‌گرفت و از آن بهره‌مند می‌شدند، اکنون در دسترس کل بشریت قرار می‌گیرد. زندگی به طور کلی شتاب گرفته، به سطح بالاتری از آگاهی دست می‌یابد و با سرعت جدیدی از انرژی هماهنگ می‌گردد. تحولی که از احساس به منطق صورت گرفت یک چنین مرحله‌ای بود و تحول از منطق به ادراک قلبی مرحله‌ی بعد می‌باشد.

ورود این امواج خلاق به واسطه‌ی یک شخصیت الهی انجام می‌گیرد که به مفهوم خاص *اوتار* است و تجسم خداوند می‌باشد. *اوتار* نخستین روح منفردی بود که از فرایند سیر تکامل به عنوان *مرشد کامل (سدگورو)* پدیدار گردید. او تنها *اوتاری* است که همیشه ظهور نموده و همیشه ظهور می‌نماید. خداوند ابتدا به واسطه‌ی او سفر از الوهیت ناآگاه به الوهیت آگاه را کامل نمود، او نخست ناآگاهانه انسان گردید تا آگاهانه خدا شود. خداوند از طریق او آگاهانه به صورت ادواری برای نجات انسان‌ها، جسم انسانی می‌گیرد. *اوتار* در شکل‌های مختلف با نام‌های مختلف در زمان‌های مختلف و در نقاط مختلف دنیا پدیدار می‌گردد. از آنجایی که ظهور او همیشه همزمان با تولد روحانی بشریت است. بنابراین زمانی که درست پیش از ظهور اوست، بشریت همواره از درد زایشی که در راه است رنج می‌برد. به نظر می‌رسد انسان‌ها، بیشتر از گذشته اسیر امیال، بیشتر از همیشه زیر فرمان حرص، گرفتار ترس و در آتش خشم فرو رفته‌اند. قدرتمندان بر ضعفا حکمفرما شده، ثروتمندان بر فقرا ستم روا داشته و توده‌ی عظیمی از مردم در راستای منافع تعداد اندکی که در جایگاه قدرت هستند مورد بهره برداری قرار می‌گیرند. فردی که نمی‌تواند هیچ آرامش و آسایشی بیابد، برای فراموشی خود به هیجان‌ات رو می‌آورد. بی‌اخلاقی روزافزون می‌شود. جرم و جنایت رواج پیدا می‌کند. مذهب به مسخره گرفته می‌شود و فساد در سراسر نظم اجتماعی گسترش می‌یابد. دشمنی‌های طبقاتی و میهنی بیدار شده و پرورش می‌یابند. جنگ‌ها برپا می‌شوند. بشریت ناامیدتر می‌شود و به نظر می‌رسد که هیچ امکانی

برای فروکش کردن این موج ویران‌گر وجود نداشته باشد.

در این هنگام *اوتار* ظهور می‌کند و چون آشکارسازی کامل خداوند در شکل انسانی است، برای افراد بشر همچون معیاری می‌شود تا خود را توسط آن بسنجند که چیستند و چه می‌توانند بشوند. او با به عمل در آوردن معیار ارزش‌های انسانی بر حسب یک زندگی الهی انسانی، آن ارزش‌ها را راستین و حقیقی می‌سازد.

او به همه چیز علاقه‌مند است، اما به هیچ چیز وابسته نیست. کوچکترین رویداد ناگوار ممکن است احساس همدردی او را برانگیزد، درحالی که بزرگترین فجایع او را ناراحت نمی‌سازد. او فراسوی تناوب‌های درد و لذت، آرزو و کامیابی، آسایش و کشمکش و مرگ و زندگی است. برای او تمامی اینها به طور مساوی تخیلاتی بیش نیستند که به فراسوی آنها رفته اما آمده است تا سایرین که در بند تخیلات اسیر هستند را رها سازد. او از هر پیشامدی به عنوان وسیله استفاده می‌کند تا سایرین را به سوی شناخت خداوند رهنمون سازد. او می‌داند که هستی انسانها پس از مرگ پایان نمی‌یابد و از اینرو نگران مرگ نیست. او می‌داند که پس از ویرانی، مطمئناً سازندگی انجام می‌گیرد و مسرت و آرامش از درون رنج زاییده می‌شوند و آزادی از اسارت اعمال از درون کشمکش به دست می‌آید. تنها نگرانی او در مورد نگران بودن است.

در کسانی که با او تماس پیدا می‌کنند، عشقی را بیدار می‌سازد که منجر به سوخته شدن تمامی خواست‌های خودخواهانه‌ی آنها در آتش اشتیاق خدمت به او می‌شود. آنان که زندگی خود را وقف او می‌کنند به تدریج در آگاهی با او یکی می‌شوند، به بیان دیگر،

انسانیت آنها اندک اندک جذب الوهیت او شده و آزاد می‌گردند. آنهایی که به او بسیار نزدیک هستند به عنوان حلقه‌ی او شناخته می‌شوند. هر مرشد کامل حلقه‌ای متشکل از ۱۲ مرید صمیمی دارد که در زمان شناخت خداوند، با خود مرشد کامل یکی می‌شوند اما از نظر وظیفه و اختیار با او تفاوت دارند. در دوران‌های *اوتاری*، *اوتار* حلقه‌ای متشکل از ۱۲۰ مرید دارد که همگی به شناخت خداوند دست یافته و برای نجات دیگران کار می‌کنند. کار آنان فقط برای انسان‌های هم‌زمان خودشان نیست، بلکه برای آیندگان نیز هست. شکوفایی زندگی و آگاهی که در کل دوره‌ی *اوتاری* انجام می‌گیرد، نقشه‌ی آن پیش از جسم گرفتن *اوتار*، در عالم آفرینش کشیده شده است و در طی زندگی *اوتار* بر روی زمین در دنیای شکل‌پذیر مادی، تایید و تثبیت می‌گردد. *اوتار*، بشریت هم‌زمان خود را به درک ماهیت روحانی حقیقیشان بیدار می‌سازد و کسانی که آمادگی دارند را به نجات روحانی می‌رساند و در زمان ظهور خود، به زندگی روح سرعت می‌بخشد. آنچه برای آیندگان بر جای می‌ماند، نیروی محرکی است که از سرمشق زندگی الهی انسانی او برخاسته، نجابت و اصالت زندگی است که به طور اعلا زیسته، عشقی است که به امیال آلوده نگریده، نیرویی است که بجز در راه خدمت به دیگران به کار نگرفته، آرامشی است که به علت بلند پروازی‌ها، پریشان نشده و دانشی است که با تخیل، تیره و کدر نگردیده است. او امکان یک زندگی الهی برای تمامی بشریت که یک زندگی بهشتی بر روی زمین است را به اثبات می‌رساند. آنان که شهامت و درستی لازم را دارند هر گاه که اراده کنند می‌توانند از آن پیروی نمایند. آنانی که از

لحاظ روحانی بیدار هستند مدتی است که آگاه‌اند، دنیا در حال حاضر دورانی را سپری می‌کند که همیشه مقدم بر ظهور *اوتار* بوده است. حتی مردان و زنانی که بیدار نشده‌اند نیز هم اکنون در حال باخبر شدن از این واقعیت هستند؛ آنان از درون تاریکی خود، روشنایی را می‌جویند، در اندوه خود مشتاق تسلی و در میان ستیزی که در آن فرو رفته‌اند، در حال دعا برای صلح و رهایی هستند. در حال حاضر آنها باید شکیباً باشند. موج ویرانی باید به اوج اعلا رسیده و دامنه‌ی آن افزایش یابد. اما هنگامی که انسان از صمیم دل خواستار چیزی ماندگارتر از ثروت و چیزی حقیقی‌تر از قدرت مادی شد، این موج فروکش کرده و به دنبال آن صلح، شادی و روشنایی می‌آید. شکستن سکوت من یعنی نشانه‌ی ظهور همگانیم، خیلی دور نیست. من بزرگترین گنجی که انسان می‌تواند داشته باشد را برای او به ارمغان می‌آورم، یعنی گنجی که همه‌ی گنج‌های دیگر را در بردارد و تا ابد پا برجاست و هنگامی که بین دیگران تقسیم شود، افزایش می‌یابد. آماده‌ی دریافت آن باشید.